



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: وقت مشترک و مخصوص/مواقیت الصلاة
 بحثمان در وقت نماز مغرب و عشاء بود، عرض کردیم در اینجا از دو جهت بحث می شود؛ مطلب اول اینکه نماز مغرب نیز مانند نماز ظهر دارای وقت اختصاصی است یعنی به مقدار سه رکعت از اول وقت مخصوص مغرب است و وقتی تمام شد وقت مشترک بین مغرب و عشاء آغاز می شود.
 مطلب دوم در مورد خود تحقق مغرب بود که آیا استتار قرص و ناپدید شدن خورشید در نظر انسان کافیست و مغرب محقق می شود یا اینکه ذهاب و زوال حمرة مشرقیه لازم می باشد، اهل تسنن قائلند مغرب با سقوط شمس و استتار قرص محقق می شود یعنی غروب آفتاب را اول وقت مغرب می دانند ولی ائمه علیهم السلام می فرمایند لازم است حمرة مشرقیه زائل بشود که این حدوداً ۱۰ دقیقه بعد از غروب آفتاب محقق می شود.

عرض کردیم که در باب ۱۶ از ابواب مواقیت الصلاة ۳۰ خبر ذکر شده که حدوداً ۱۵ خبر مربوط به غروب آفتاب و ۱۵ خبر دیگر مربوط به ذهاب و زوال حمرة مشرقیه می باشد.

عنوان باب ۱۶ این است که: "أن أول وقت المغرب غروب الشمس المعلوم بذهاب الحمرة المشرقية".

ما باید بینیم این روایات که متعارض هستند چه نسبتی با هم دارند و بعد باید بین آنها جمع کنیم.
 چند خبر را به عنوان نمونه می خوانیم تا مطلب روشن شود، البته این روایات از نظر سند مشکلی ندارند و بعلاوه مورد عمل اصحاب و فقهاء هستند لذا دیگر سند را نمی خوانیم:

خبر اول: ﴿عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا غابت الحمرة من هذا الجانب يعني من المشرق فقد غابت الشمس من شرق الأرض و غربها.﴾^۱
 خبر دوم: ﴿قال أبو عبد الله عليه السلام: إن الله خلق حجاباً من ظلمة مما يلي المشرق، ووكل به ملكاً، فإذا غابت الشمس اغترف ذلك الملك غرفةً بيديه، ثم استقبل بها المغرب يتبع الشفق ويخرج من بين يديه قليلاً قليلاً، ويمضي فيوافي المغرب عند سقوط الشفق فيسرح الظلمة، ثم يعود إلى المشرق، فإذا طلع الفجر نشر جناحيه فاستاق الظلمة من المشرق إلى المغرب حتى يوافي بها المغرب عند طلوع الشمس.﴾^۲

خبر سوم: ﴿عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: وقت المغرب إذا ذهب الحمرة من المشرق، وتدرى كيف ذلك؟ قلت: لا، قال: لأن المشرق مطل على المغرب هكذا، ورفع يمينه

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۲۶، ابواب مواقیت الصلاة، باب ۱۶، حدیث ۱، ط الاسلامیة.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۲۶، ابواب مواقیت الصلاة، باب ۱۶، حدیث ۲، ط الاسلامیة.

فوق یساره، فإذا غابت هیهنا ذهب الحمرة من هیهنا.^۳

بعضی از مطالبی که در روایات در مورد غروب و مغرب و خورشید ذکر شده ما متوجه نمی شویم ولی خب آنچه مربوط به بچثمان می شود و محل استناد ماست این است که ذهاب حمرة مشرقیه دال بر اول وقت مغرب می باشد.

خب و اما همانطور که عرض کردیم دو دسته از اخبار در این باب وجود دارد یک دسته ذهاب حمرة مشرقیه را میزان می دانند و دسته دیگر غروب آفتاب را میزان می دانند، حالا ما باید بین اینها جمع کنیم به این بیان که اولاً تعارضی وجود ندارد چونکه اخبار دال بر ذهاب حمرة مشرقیه در واقع مفسر اخبار دال بر غروب آفتاب هستند یعنی می گویند علامت غروب آفتاب همین ذهاب حمرة مشرقیه است.

ثانیا در اینجا تقیه وجود دارد زیرا ائمه علیهم السلام فرمودند باید ذهاب حمرة مشرقیه صورت بگیرد و بعد نماز مغرب خوانده شود ولی اهل سنت اول غروب آفتاب نمازشان را می خواندند، خب این یک امر شخصی پنهان هم نبوده بلکه یک امر اجتماعی و آشکار بوده چون نماز را در مسجد و به جماعت می خواندند بنابراین ناچاراً در برابر عامه بحث تقیه پیش می آید لذا اخباری که غروب آفتاب را میزان می دانند باید حمل بر تقیه کنیم و بگوئیم این مغرب نیست بلکه مغرب با ذهاب و زوال حمرة مشرقیه

محقق می شود و حاج آقای رضای همدانی نیز در مصباح الفقیه همین را می گوید و می فرماید "خذ بما خالف العامة" و حقیقت مطلب این است که ذهاب حمرة مشرقیه میزان است و این حرف درست است و بنده نیز نوشته ام که تنها در اینجا نیست بلکه در ابواب دیگر من جمله حج نیز این بحث ذهاب حمرة مشرقیه و تحقق مغرب دخیل است بنابراین با توجه به اخباری که داریم ائمه علیهم السلام فرمودند غروب آفتاب کافی نیست و باید ذهاب حمرة مشرقیه محقق بشود.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۲۷، ابواب مواقیع الصلاة، باب ۱۶، حدیث ۳، ط الاسلامیة.